

جهانی شدن و بازاندیشی الگوهای دوستی دختران و پسران: مطالعه‌ی موردی دانش‌جویان دانشگاه تهران

دکتر علی رجبلو*

استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه الزهرا

سارا اصغری

کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی، واحد جهاد دانشگاهی، دانشگاه الزهرا

چکیده

این پژوهش بر آن است که به بررسی تأثیر جهانی شدن در بازاندیشی تعاملات جنسی میان جوانان دانش‌جوی ایرانی بپردازد.

جامعه‌ی آماری پژوهش دربرگیرنده‌ی همه‌ی دانش‌جویان دانشگاه تهران، در سه پایه‌ی کارشناسی، کارشناسی ارشد، و دکتری است، که از میان آن‌ها ۲۷۵ نفر، به عنوان نمونه‌ی پژوهش و به شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌یی انتخاب شدند. روش پژوهش از نوع پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه است. فرضیه کلی پژوهش وجود رابطی معنادار میان جهانی شدن و بازاندیشی تعاملات جنسی جوانان دانش‌جوی ایرانی است، که برای پذیرش آن، چهار فرضیه‌ی فرعی فردی شدن تعاملات جنسی، پذیرش الگوهای تازه، سطح روابط جنسی، و داشتن تجربه‌های گوناگون دوستی با جنس مخالف مورد آزمون قرار گرفته‌اند.

یافته‌های پژوهش بر پایه‌ی ضریب هم‌بستگی پیرسون نشان می‌دهد میان جهانی شدن (معدله) رسانه‌های نمایشی) و تعاملات جنسی دانش‌جویان رابطه وجود دارد.

واژگان کلیدی

جهانی شدن؛ بازاندیشی؛ تعاملات جنسی؛ الگو؛ دوستی؛

جامعه‌ی فقهی یا جهانی، بیش از هر چیز، دست‌آورد فرآیند فشردگی زمان و فضا و بی‌بستر شدن روابط اجتماعی است. هر اندازه که آگاهی انسان‌ها از درهم‌تنیدگی جهان و فشردگی فضا و زمان افزایش یابد بستری مناسب‌تر برای روابط اجتماعی پرشمار و گفت‌وگوی فرهنگی فراهم می‌شود.

بیش‌ترین بحث‌ها، نزاع‌ها، و نگرانی‌های جهانی شدن در دنیا در حوزه‌ی فرهنگ است؛ در واقع، مبارزه‌ها، کشمکش‌ها، نزاع‌ها، و مخالفت‌ها بر سر فرهنگ‌های بومی و خودی در مقابل فرهنگ‌های غیربومی و غالباً غربی است. (هانتینگتون^۱: ۱۳۷۸: ۵۴)

از این لحاظ، فرهنگ‌ها دنیایی بدون زیاده‌خواهی نوگرایان و واپس‌گرایی نوستیزان می‌خواهند.

جامعه‌ی فقهی پی‌آمد فرآیند مدرنیته و نوگرایی نیز به شمار می‌آید. یکی از ویژگی‌های اساسی مدرنیته، که پایه‌ی تحرک و پویایی آن به شمار می‌آید، بازاندیشی در ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی است.

بازاندیشی مدرنیته با تولید دائمی خودشناسی منظم ارتباط مستقیم دارد. در جامعه‌ی مدرن انسان‌ها للهویت خود را خلق و تصحیح می‌کنند و این که چه اند و چه‌گونه این گونه شده‌اند را مدام مرور می‌کنند. (گیدنز^۲: ۱۱۳۸۷: ۱۷)

بازاندیشی در دنیای مدرن فرآیندی جهانی است که بازتاب آن در سراسر جهان، هرچند با نوسان، در یک راستا دیده می‌شود. توجه به روند تاریخی رفتارهای جنسی و پیدایش فرضیه‌های تازه، باعث شکل‌گیری دیدگاه‌هایی بازاندیشانه نسبت به تعاملات جنسی، دگرگونی رفتارهای مرتبط با آن، و ارائه‌ی الگوهای پرشمار در راستای آزادسازی و فردی شدن آن شده‌است. روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، گفتمان‌های رفتارهای جنسی را به سوی آزادسازی و فردی شدن پیش‌تر روانه کرده‌است، اما با توجه به سنت سازه‌گرایی اجتماعی، روند دگرگونی رفتارهای جنسی را باید با توجه به عوامل فرهنگی و تاریخی آن در نظر گرفت.

مسئله‌ی پژوهش

نیاز جنسی، از دیرباز تا کنون، یکی از مباحث مهم انسانی بوده و با درگیر کردن ذهن بشر، در همه‌ی دوره‌های تاریخ، رفتار او را تحت تأثیر خود قرار داده‌است. تفاوت نگرش‌ها نسبت به رفتار جنسی ریشه در تفاوت‌های موجود در شناسه‌های فرهنگی، مذهبی، و

^۱ Huntington, Samuel P.

^۲ Giddens, Anthony



اجتماعی جوامع گوناگون دارد، اما نکته‌ی شایان توجه، دگرگونی نگرش به رابطه‌ی جنسی در سالیان اخیر است.

کیل‌من^۱ (۱۹۸۳) معتقد است که در آمریکا، نسبت نوجوانانی که رابطه‌ی جنسی برقرار می‌کنند، به میزان قابل توجهی، به‌خصوص در ۲۰ سال اخیر، افزایش پیدا کرده‌است. میلر و سیمون^۲ (۱۹۸۰) از کاهش سن برقراری اولین تماس جنسی خبر داده و روزنامه‌ی *دیلی تلگراف*^۳ (۲۰۰۱) از افزایش شدید بی‌بندوباری جنسی و افزایش بیمارهای مقاربتی در بریتانیا می‌گوید. (ذکایی ۱۳۸۴: ۳)

بسیاری از پژوهش‌هایی که در آمریکا صورت گرفته‌است، به پیوند میان برنامه‌های نمایشی جنسی و دگرگونی نگرش نسبت به رفتارها و کارهای جنسی می‌پردازد. مطالعه روی جوانان نشان می‌دهد که تماشای این گونه برنامه‌ها می‌تواند تأثیری منفی نسبت به باکره بودن دختران پدید آورد و نیز زمینه‌ساز روی آوردن به رفتارهای جنسی نابه‌هنجار شود (داوری ۱۳۸۷).

میزان دگرگونی‌های نگرشی به مسائل جنسی در ایران روشن نیست، اما نیاز جنسی در ایران نیز، مانند دیگر کشورها، وجود دارد و به دلیل جوان بودن جامعه‌ی ایرانی و نیز افزایش سن ازدواج، بیش از پیش، نمود یافته‌است. فراگیر شدن الگوهای تازه‌ی تعاملات جنسی، مانند دوستی دختر و پسر، برقراری دوستی هم‌زمان با چندین نفر، برقراری دوستی با جنس مخالف (حتا پس از ازدواج)، و روابط جنسی نامتعارف (مانند روابط جنسی مجازی در فضای اینترنت و گسترش روابط هم‌جنس‌گرایی)، با سطحی پیش‌رفته در میان زنان و مردان، نشان می‌دهد که روند بازاندیشی جوانان در رفتارهای جنسی شتابی بسیار گرفته‌است.

روابط دوستانه‌ی دختران و پسران نوجوان و جوان، بدون در نظر گرفتن ابعاد شرعی یا توجه اندک به آن، پدیده‌ی است که عمومیت یافتن و حرکت به سوی هنجار شدن آن را، با اندکی توجه و دقت نظر، می‌توان در فضای عینی تعامل اجتماعی مشاهده کرد. (قاسمی ۱۳۸۳: ۸۳)

بر پایه‌ی گزارش قاسمی (۱۳۸۳) از دانشگاه صنعتی اصفهان، ۳۷/۵ درصد از دانش‌جویان مورد مطالعه‌ی او دارای دوست یا دوستان نزدیک غیرهم‌جنس بوده‌اند. یافته‌های ذکایی (۱۳۸۴) نیز نشان می‌دهد ۷۹/۵ درصد از پاسخ‌گویان (جوانان شهر تهران) گفته‌اند که اکنون دوستی از جنس مخالف دارند و ۲۳ درصد نیز در گذشته دوست دختر یا پسر داشته‌اند. تنها ۱/۲ درصد گفته‌اند که هیچ دوستی از جنس مخالف نداشته‌اند و ندارند.

¹ Kilmann, Peter R.

² Miller, Patricia Y., and William Simon

³ Daily Telegraph

جهانی شدن فراگیر و به نمایش کشیدن رفتارهای جنسی در رسانه‌های نمایشی و نوشتاری غرب با تأثیرمستقیم بر رفتار مخاطبان آن‌ها و به‌ویژه جوانان و نوجوانان هم‌راه بوده‌است. هم‌سو با دیگر جوامع، دگرگونی ارزش‌ها، و به دنبال آن ارزش‌های جنسی، در جامعه‌ی ما نکته‌ی پنهان نیست و تأثیر جهانی شدن، به گونه‌ی عام، و تأثیر رسانه‌ها، به گونه‌ی خاص، موجب شده‌است تا به برآورده‌سازی نیازهای جنسی به گونه‌ی متفاوت از گذشته نگریسته‌شود.

نگاهی به نتایج بررسی‌های موجود بیان‌گر این موارد است:

- ۷۵ درصد جوانان معتقد اند که برنامه‌های تله‌ویزیونی و فیلم‌ها داشتن روابط جنسی را برای آن‌ها به امری طبیعی تبدیل نموده‌است و این خود دلیلی برای روی آوردن آن‌ها به سکس است.
- [...]

- بر پایه‌ی مطالعه‌ی مشخص شد که ۵۰ درصد دبیرستانی‌ها (۵۰٪ پسران و ۴۸٪ دختران) روابط جنسی داشته‌اند. در حالی که در بین پسران و دختران ۱۵ ساله، روابط سکسی به ترتیب ۲۵ و ۲۷ درصد گزارش شده، این رقم در ۱۹ سالگی، به ترتیب به ۷۵ و ۸۸ درصد رسیده‌است. سن میان‌گین برای نخستین سکس نیز، حدود ۱۶/۵ سال بوده‌است.

در حالی که برای عمده‌ی جوانان و نوجوانان خواهان سکس، شریک‌های جنسی هم‌سن‌وسال مهیا است، اما ۲۵ درصد پسران ۱۶ ساله اعلام نموده‌اند که با دختران ۱۴ ساله یا کم‌سن‌وسال‌تر و ۱۱ درصد پسران ۱۹ ساله اعلام کرده‌اند که با دختران ۱۵ ساله یا کم‌سن‌وسال‌تر روابط جنسی دارند. به علاوه، ۲۹ درصد دختران ۱۵ تا ۱۷ ساله هم گفته‌اند که شریک جنسی‌شان سه تا پنج سال بزرگتر از آن‌ها است. (داوری ۱۳۸۷)

یافته‌های ذکایی (۱۳۸۴) نشان‌دهنده‌ی تأثیر روند جهانی شدن بر روابط جنسی جوانان

در ایران است:

در گفت‌وگوی اینترنتی، ۱ درصد از افراد «اکثر اوقات» و ۴۱ درصد «گاهی اوقات»، به منظور استفاده از مسائل جنسی از اینترنت استفاده می‌کنند. ۵۲ درصد از افراد مورطالع «هرگز» به منظور مسائل جنسی از اینترنت استفاده نمی‌کنند. از افراد مورطالع ۱۸ درصد «خیلی زیاد» و ۱۶ درصد «به میزان زیاد» به تماشای فیلم‌های سکسی می‌پردازند. از این افراد، ۳۱ درصد میزان تماشای این فیلم‌ها را «تا اندازه‌ی»، ۱۵ درصد «کم»، و ۳۳ درصد «خیلی کم» عنوان کرده‌اند؛ هم‌چون این، ۸ درصد از پاسخ‌گویان «طلاً» به تماشای فیلم‌های سکسی نمی‌پردازند. (ص ۷۸)



جهانی شدن^۱

واژه‌ی جهانی شدن معمولاً فرضیه‌ی دهکده‌ی جهانی مک‌لوهان^۲ (۱۹۶۴، برگرفته از تاملینسون^۳ ۱۳۸۱) را به یاد می‌آورد، که بر پایه‌ی آن، پیدایش «رسانه‌ی سرد» تله‌ویزیون انفجار زمان و مکان و هم‌گون شدن فرهنگ‌ها را به دنبال خواهد آورد. این فرضیه باعث ترس و هراس فرهنگ‌های ضعیف‌تر و امیدواری فرهنگ‌های چیره در جهان شده‌است، اما در تعریف‌های گوناگون، جهانی شدن عبارت است از درهم فشردن جهان و تبدیل آن به مکانی واحد. جهانی شدن، افزون بر این که یک فرآیند است، به عنوان یک چهارچوب مفهومی نیز با فرضیه یا سامان جهانی سروکار دارد. رابرتسون^۴ (۱۳۸۰) جهان را یک سامانه‌ی اجتماعی-فرهنگی می‌داند و بر این باور است که جهان کنونی از وضعیت «در خود» به سوی وضعیت «برای خود» پیش می‌رود؛ هم‌چون این، در تعریفی دیگر، او مفهوم جهانی شدن را به فشردن جهان و آگاهی نسبت به جهان، به عنوان یک کل، تعریف کرده‌است. آلبرو^۵ (۱۳۸۰) جهانی شدن را فرآیندهایی می‌داند که بر پایه‌ی آن، همه‌ی مردم جهان در یک جامعه‌ی واحد و فراگیر جهانی به هم می‌پیوندند. گیلنر (۱۳۸۷ب) جهانی شدن را فشردن شدن مناسباتی اجتماعی می‌داند که مکان‌های جداگانه‌ی آن به گونه‌ی با هم پیوند می‌خورد که روی‌دادهای محلی با روی‌دادهایی که کیلومترها دورتر رخ داده‌است شکل می‌گیرد و برعکس. به باور گیلنر، «نوخواهی ذاتاً جهانی‌کننده است» و جهانی شدن به سادگی گسترش «نوخواهی از جامعه‌ی ملی به جهان» است. وی جهانی شدن را ارتباط پیچیده می‌نامد؛ یعنی جهانی شدن شبکه‌یی باشتاب‌یابنده و همیشه‌فشرده‌شونده از پیوندهای متقابل و هم‌بستگی‌های متقابل است، که شناسه‌ی زندگی اجتماعی مدرن به شمار می‌آید (تاملینسون ۱۳۸۱).

شاو^۶ (۱۹۹۹، برگرفته از تاملینسون ۱۳۸۱) در تعریف جهانی شدن آورده‌است:

مجموعه‌یی پیچیده از فرآیندهای متمایز، اما مرتبط با عوامل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، و هم‌چون این، سیاسی و نظامی، که مناسبات اجتماعی از طریق آن و در دوره‌ی طولانی تاریخ در سطح جهانی تحول یافته‌است. (تاملینسون ۱۳۸۱: ۸۷)

جهانی شدن فرهنگ

نظریه‌ی فرهنگ جهانی عنوانی برای تفسیر ویژه‌ی جهانی شدن است، که در آن، جست‌وجوی شیوه‌ی مناسب زندگی مورد توجه قرار می‌گیرد. در این نظریه، جهان به سوی

¹ Globalisation

² McLuhan, Marshall

³ Tomlinson, John

⁴ Robertson, Roland

⁵ Albrow, Martin

⁶ Shaw, Martin

یک پارچگی عمومی حرکت می‌کند، اما با این حال، در جهانی چون این یک پارچه، ناهم‌خوانی‌های فرهنگی، به‌ویژه سنت‌های مذهبی، از موانع عمده‌ی دستیابی به فرهنگ جهانی به شمار می‌آید (طاهرخانی ۱۳۸۳).

وجود رسانه‌های ارتباط جمعی، مهاجرت انسان‌ها، گردش‌گری، و پیدایش «فرهنگ سوم» کارکنان نهادهای اقتصادی و سیاسی جهان، با ایجاد به‌هم‌پیوستگی فرهنگی فزاینده در سراسر جهان، استدلال جهانی شدن فرهنگی را پدید آورده‌است. رسانه‌های جمعی دنیای امروز تأثیری به‌سزا در زندگی مردم دارند. آن‌ها می‌توانند افکار غیربومی و تازه را در مردم پدید آورند و ابزار رساندن پیام‌هایی باشند که در صورت برنامه‌ریزی درست و منطقی، آن‌ها را به خواسته‌های مسئولان و ارزش‌های دل‌خواه آنان نزدیک کند (لازار^۱، ۱۳۸۰). به باور لازار، رسانه‌های نمایشی، در درازمدت و با فرآیند فرهنگ‌سازی، بر درک مردم چیره می‌شوند.

بازاندیشی^۲

بازاندیشی در زندگی اجتماعی دربرگیرنده‌ی این واقعیت است که کارکردهای افراد پیوسته بازسنجی می‌شود؛ یعنی با اصلاح به وسیله‌ی داده‌های تازه، ویژگی‌های آن به گونه‌ی اساسی دگرگون می‌شود. گینتز بر این باور است که در جامعه‌ی مدرن، انسان‌ها، با آفرینش و اصلاح هویت خود، چه بودن و چه‌گونه این شدن خود را پیوسته بازنگری می‌کنند (گیدنز ۱۳۸۷). همه‌ی صورت‌های زندگی، کم و بیش، با دانشی که کنش‌گران از این صورت‌ها دارند ساخته می‌شود و از دید گینتز، بازاندیشی مدرنیته با تولید پیوسته‌ی خودشناسی پی‌درپی ارتباطی مستقیم دارد (همان). بک^۳ این فرآیند را با مفهوم فردی شدن نشان می‌دهد:

فردی شدن در نظریه‌ی بک درباره‌ی مدرنیته‌ی متأخر نقش اساسی دارد. فردی شدن به یگانگی یا تنهایی دلالت نمی‌کند، بل که به معنای این الزام در مدرنیته‌ی متأخر است، که افراد در غیاب یقین‌ها و هنجارهای الزام‌آور و ظهور شیوه‌های جدید زندگی، که به طور مداوم در معرض تغییر است، باید خود زندگی‌نامه‌ی خود را خلق کنند. (لاپتن^۴، ۱۳۸۰: ۳۰۳)

ساختنشدن اجتماعی رفتار جنسی

سازه‌گرایی اجتماعی^۵ به تعامل میان ساختار و کارگزار باور دارد. از دید سازه‌گرایان، ساختارهای اجتماعی نتیجه‌ی پی‌آمدهای خواسته و ناخواسته‌ی کنش و رفتار انسانی است،

^۱ Lazar, Judith

^۲ Reflectivity

^۳ Beck, Ulrich

^۴ Lupton, Deborah

^۵ Social Construction



که فرض یک بستر ساختاری تقلیل‌ناپذیر نقش میانجی را برای آن‌ها بازی می‌کند (ونت^۱ ۱۹۸۷)؛ در واقع، سازه‌گرایان بر این باورند که عوامل تاریخی و فرهنگی تعیین‌کننده‌ی کنش انسانی است. آن‌ها با نپذیرفتن تعاریف فراتاریخی و فرافرهنگی ارائه‌شده در مورد رفتارهای جنسی، عوامل تاریخی و فرهنگی را تعیین‌کننده‌ی سوبه‌گیری‌های جنسی می‌دانند.

همه‌سازمگرایان اجتماعی بر این نکته اتفاق نظر دارند که رفتارهای جنسی، که به‌ظاهر یک‌سان جلوه می‌کنند، ممکن است اهمیت اجتماعی و معنایی متفاوت داشته‌باشند؛ بسته به این که در فرهنگ‌ها و دوره‌های تاریخی مختلف چه‌گونه معنا شدند و مورد فهم قرار گیرند. چون‌این نگرشی قائل به سابقه‌ی جنسی جهانی است، که تنها جلوه‌ی ظاهری آن مثل لباس‌های ملی تفاوت می‌کند. نگرش دیگری که به درجاتی نقش فرهنگ را مهم می‌شمارد، قائل به این است که جهت‌علائق جنسی (بلا رفتارهای هم‌جنس‌بازانه یا غیرهم‌جنس‌بازانه) ذاتی و غریزی فرد نیست و با تولد فرد تعیین نمی‌شود، بلکه در اجتماع و فرهنگ شکل می‌گیرد. در سوی دیگر، گونه‌ی رادیکال سازه‌گرایی بر پایه‌ی این استدلال قرار دارد که حتا موضوعی هم‌چون میزان تحریک‌پذیری افراد بر پایه‌ی انتظارات فرهنگی است؛ در مجموع، سنت سازه‌گرایی اجتماعی رفتار جنسی را قویاً در قلمرو فرهنگ جای می‌دهد. (ذکایی ۱۶:۱۳۸۴)

فرضیه‌ی پژوهش

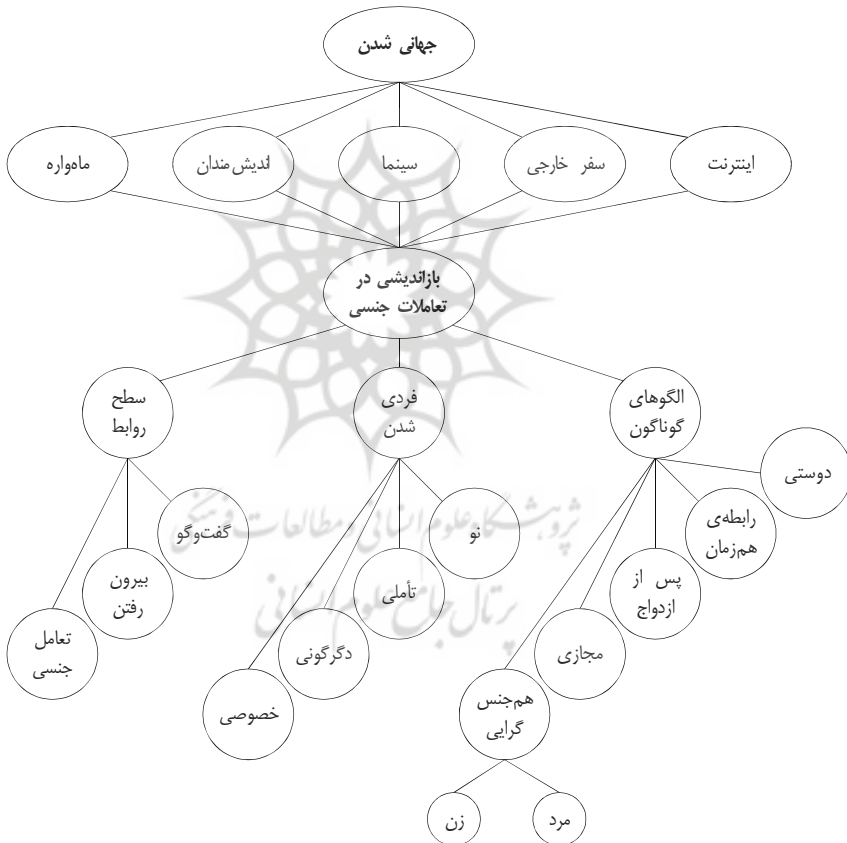
فرضیه‌ی اصلی پژوهش:

- میان جهانی شدن و بازنندیشی در تعاملات جنسی جوانان دانش‌جوی ایرانی رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
- برای روشن‌سازی و آزمون این فرضیه، چهار فرضیه‌ی فرعی ناظر بر سازه‌های بازنندیشی طراحی شده‌است:
- ۱ میان جهانی شدن و فردی شدن تعاملات جنسی جوانان دانش‌جوی ایرانی رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
- ۲ میان جهانی شدن و پذیرش الگوهای تازه‌ی تعامل جنسی جوانان دانش‌جوی ایرانی رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
- ۳ میان جهانی شدن و سطح روابط دوستی دختر و پسر در جوانان دانش‌جوی ایرانی رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
- ۴ میان جهانی شدن و داشتن تجربه‌های گوناگون تعاملات جنسی جوانان دانش‌جوی ایرانی رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

¹Wendt, Alexander E.

روش پژوهش

با توجه به این که جهانی شدن فرآیندی گریزناپذیر و روبه‌گسترش است، برای بررسی اثر آن بر الگوهای تعامل جنسی روش توصیفی-تحلیلی برگزیده شده‌است. در این پژوهش نیز، با توجه به تناسب موضوع و پیشینه‌ی پژوهش‌های گذشته در مورد جهانی شدن یا بررسی انواع الگوهای تعاملات جنسی، از روش پیمایش^۱ استفاده شده‌است. گردآوری داده‌های پژوهش با ابزار پرسش‌نامه^۲ صورت گرفته‌است.



نمودار ۱ مدل مفهومی پژوهش

^۱ Survey^۲ Questionnaire



جدول ۱ جدول شناسه‌سازی

متغیر	شناسه
جهانی شدن	۱ اینترنت ۲ ماهواره ۳ سینمای جهانی ۴ سفر خارجی ۵ آشنایی و شناخت اندیش‌مندان غربی
بازاندیشی در الگوهای تعامل جنسی	۱ فردی شدن روابط جنسی ۲ پذیرش الگوهای تازه‌ی تعامل جنسی ۳ سطح رابطه‌ی جنسی ۴ داشتن تجربه‌ی دوستی با جنس مخالف

جامعه‌ی آماری، حجم نمونه، و تجزیه و تحلیل داده‌ها

جامعه‌ی آماری این پژوهش دربرگیرنده‌ی دانش‌جویان دانشگاه تهران در سه پایه‌ی کارشناسی، کارشناسی ارشد، و دکتری (سن ۱۸ تا ۳۰ سال) است و حجم نمونه نیز، با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌یی چندمرحله‌یی، نمونه‌گیری سهمیه‌یی، و استفاده از فرمول کوکران، ۲۵۷ نفر برآورد شده‌است. تجزیه و تحلیل داده‌ها به وسیله‌ی نرم‌افزار SPSS^۱، و با توجه به سطح سنجش متغیرها صورت گرفته‌است.

یافته‌ها

داده‌های توصیفی

بررسی‌های توصیفی آمارهایی ساده و بنیادین را فراهم می‌کند، که می‌توان بر پایه‌ی آن‌ها تحلیل‌ها را انجام داد. با توجه به نبود پیشینه در این زمینه، وجود این آمارهای توصیفی می‌تواند به شناخت کامل‌تر جامعه‌ی موردبررسی کمک کند.

از ۱۰۰ درصد پاسخ‌گویان، ۵۰/۲ درصد را مردان و ۴۹/۸ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. از نظر سنی، ۵۱/۹ درصد پاسخ‌گویان میان ۱۸ تا ۲۱ سال، ۳۴/۴ درصد میان ۲۲ تا ۲۶ سال، و ۱۳/۷ درصد هم میان ۲۷ تا ۳۰ سال قرار دارند. ۹۲/۴ درصد پاسخ‌گویان بدون‌همسر و ۷/۶ درصد همسر دارند.

^۱ Statistical Package for the Social Sciences

در زمینه‌ی تعاملات جنسی، ۷۲/۳ درصد پاسخ‌گویان تجربه‌ی ارتباط با جنس مخالف را داشته‌اند و ۲۷/۷ درصد این تجربه را نداشته‌اند.

۲۸/۱ درصد پاسخ‌گویان دوستی با هدف ازدواج، ۵۱/۳ درصد دوستی بدون هدف ازدواج، و ۷/۵ درصد دوستی هم با هدف ازدواج و هم بدون هدف ازدواج داشته‌اند (یعنی برخی از دوستی‌های آنان با هدف ازدواج بوده و برخی نبوده‌است). ۳/۵ درصد تجربه‌ی دوستی در فضای مجازی و اینترنت، و ۳ درصد هم هر سه مورد (دوستی بدون هدف ازدواج، با هدف ازدواج، و مجازی) را تجربه کرده‌اند. ۶/۵ درصد پاسخ‌گویان نیز مدعی رابطه‌ی دوستی اجتماعی (دوستی بدون پیوند عاطفی) شده‌اند. بیش‌ترین فراوانی (۵۱/۳ درصد) از آن‌گزینه‌ی دوستی بدون هدف ازدواج است.

سطح روابط ۲۸/۱ درصد از پاسخ‌گویان گفت‌وگو، ۴۶/۲ درصد بیرون رفتن، و ۲۵/۶ درصد رفت‌وآمد به منزل یک‌دیگر بوده‌است. بیش‌ترین فراوانی (۴۶/۲ درصد) از آن‌گزینه‌ی بیرون رفتن است.

۵ درصد از دوستی‌ها به ازدواج رسیده و ۲۱/۶ درصد در حد دوستی باقی مانده‌است؛ هرچند که ممکن است به ازدواج برسد. ۳۹/۲ درصد تنها در حد دوستی باقی مانده و ۳۴/۳ درصد هم بدون هیچ نتیجه‌ی پایان یافته‌است. بیش‌ترین فراوانی (۳۹/۲ درصد) نشان‌دهنده‌ی دوستی، تنها با هدف دوستی است.

۵۰/۷ درصد پاسخ‌گویان تنها یک بار، ۲۳/۶ درصد دو بار، ۱۵/۵ درصد سه بار، و ۹/۹ درصد هم بالای سه بار تجربه‌ی دوستی با جنس مخالف را داشته‌اند.

۹۴/۳ درصد پاسخ‌گویان تجربه‌ی هم‌جنس‌گرایی را نداشته‌اند و ۵/۷ درصد این تجربه را داشته‌اند.

۲۶/۱ درصد از پاسخ‌گویان، به گونه‌ی هم‌زمان، با چند نفر از جنس مخالف رابطه داشته‌اند و ۷۱/۹ درصد منکر تجربه‌ی رابطه‌ی چندگانه شده‌اند.

۱۵/۸ درصد همسرداران تجربه‌ی دوستی با جنس مخالف (به‌جز همسر) را پس از ازدواج نیز داشته‌اند و ۸۴/۲ درصد این تجربه را نداشته‌اند.

۵۸/۸ درصد پاسخ‌گویان (بیش‌ترین فراوانی) به‌ترین الگوی تعاملات جنسی را برای جامعه ازدواج، ۱۰/۲ درصد دوستی، ۲/۹ درصد هم‌خانگی، و ۳/۶ درصد ازدواج موقت دانسته‌اند. ۲۴/۵ درصد نیز بر این باور اند که هر فرد، نسبت به شناختی که از خود دارد، در انتخاب الگوی رفتار جنسی مختار است. در انتخاب شخصی، ۶۳ درصد از پاسخ‌گویان (بیش‌ترین فراوانی) ازدواج، ۲۰ درصد دوستی، ۱۱/۹ درصد هم‌خانگی، ۳/۷ درصد ازدواج موقت، و ۱/۵ درصد هم‌جنس‌گرایی را انتخاب کرده‌اند.



آشنایی ۶۴/۲ درصد (بیشترین فراوانی) پاسخگویان به وسیله‌ی دانشگاه صورت گرفتند و این فراوانی بالا به دلیل دانشگاهی بودن جامعه‌ی آماری است. روش آشنایی ۹/۳ درصد به وسیله‌ی اینترنت، ۱۸/۳ درصد به وسیله‌ی معرفی دوستان، ۱۵/۴ درصد به وسیله‌ی آشنایی خیابانی، ۱۳/۶ درصد به دلیل خویشاوندی، ۱۱/۹ درصد به وسیله‌ی همسایگی، ۱۱/۴ درصد در محل کار، ۱۰/۳ درصد به وسیله‌ی گروه هم‌آیی‌های مختلط، ۸ درصد در مهمانی‌های مختلط، ۷/۴ درصد در مسافرت، و ۶/۳ درصد در کوه بوده‌است.

ملاک پاسخگویان برای ارتباط با جنس مخالف، ۱۱/۷ درصد عرف، ۳۶/۲ شرع، ۱۰/۶ درصد هم عرف و هم شرع، و ۴۱/۵ درصد (بیشترین فراوانی) خواست دو طرف بوده‌است.

آزمون فرضیه‌ها

در بخش آمار استنباطی به بررسی رابطه‌ی فرضیه‌ی کلی و فرضیه‌های فرعی پرداخته‌ایم. فرضیه‌ی اصلی: میان جهانی شدن و بازاریابی در تعاملات جنسی جوانان دانش‌جوی ایرانی رابطه وجود دارد.

برای پذیرش یا نپذیرفتن کوتاه‌مدت این فرضیه‌ی اصلی، چهار فرضیه‌ی فرعی را مورد آزمون قرار دادیم.

جدول ۲ نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

متغیر مستقل	متغیر وابسته	آزمون پیرسون	سطح معناداری	داوری
جهانی شدن	فردی شدن	۰/۵۷۶	۰/۰۰۰	پذیرش
	پذیرش الگوهای تازه	۰/۴۴۹	۰/۰۰۰	پذیرش
	سطح رابطه	۰/۵۹۹	۰/۰۰۰	پذیرش
	داشتن تجربه‌های گوناگون	۰/۳۰۸	۰/۰۱۱	پذیرش

فرضیه‌ی فرعی اول: میان جهانی شدن و فردی شدن تعاملات جنسی جوانان دانش‌جوی ایرانی رابطه وجود دارد.

برای پذیرش یا نپذیرفتن کوتاه‌مدت فرضیه‌ی گفته‌شده از ضریب هم‌بستگی پیرسون، به عنوان آزمون آماری، استفاده کردیم. ضریب هم‌بستگی این دو متغیر ۰/۵۷۶ درصد، با سطح معناداری ۰/۰۰۰ درصد است؛ در نتیجه، هم‌بستگی معنادار، با سطحی نسبتاً بالا و احتمال ۰/۰۱ خطا، مورد پذیرش قرار گرفت؛ یعنی هرچه میزان دست‌رسی افراد به

شناسه‌های جهانی شدن بیش‌تر باشد، آن‌ها بازاندیشی تعاملات جنسی خود را (به معنای فردی شدن تعاملات) بیش‌تر مورد بازاندیشی قرار می‌دهند.

فرضیه‌ی فرعی دوم: میان جهانی شدن و پذیرش الگوهای تازه‌ی تعاملات جنسی جوانان دانش‌جوی ایرانی رابطه وجود دارد.

برای پذیرش یا نپذیرفتن کوتاه‌مدت فرضیه‌ی گفته‌شده نیز از ضریب هم‌بستگی پیرسون استفاده کردیم. ضریب هم‌بستگی $0/449$ درصد با سطح معناداری $0/000$ درصد است؛ در نتیجه، هم‌بستگی معنادار، با سطحی نسبتاً بالا و احتمال $0/01$ خطا، مورد پذیرش قرار گرفت؛ یعنی هرچه افراد بیش‌تر در معرض شناسه‌های جهانی شدن قرار می‌گیرند، بیش‌تر الگوهای تازه‌ی تعاملات جنسی، مانند روابط دوستی دختر و پسر، روابط چندگانه، روابط با جنس مخالف پس از ازدواج، روابط مجازی و اینترنتی، و هم‌جنس‌گرایی را می‌پذیرند.

فرضیه‌ی فرعی سوم: میان جهانی شدن و سطح روابط دوستی دختر و پسر در جوانان دانش‌جوی ایرانی رابطه وجود دارد.

برای پذیرفتن یا نپذیرفتن کوتاه‌مدت فرضیه‌ی گفته‌شده نیز از آزمون معناداری پیرسون استفاده کردیم. ضریب هم‌بستگی $0/599$ درصد، با سطح معناداری $0/000$ درصد است؛ در نتیجه، هم‌بستگی معنادار، با سطحی نسبتاً بالا و احتمال $0/01$ خطا، مورد پذیرش قرار گرفت؛ یعنی هرچه افراد بیش‌تر در معرض شناسه‌های جهانی شدن قرار می‌گیرند، سطح روابطی پیش‌رفته‌تر (از سطح گفت‌وگو، که کمینه‌ی این ارتباط است، تا بیرون رفتن، رفت‌وآمد به منزل یک‌دیگر، و روابط جنسی، به عنوان پیش‌رفته‌ترین سطح) را می‌پسندند.

فرضیه‌ی فرعی چهارم: میان جهانی شدن و داشتن تجربه‌های گوناگون تعاملات جنسی جوانان دانش‌جوی ایرانی رابطه وجود دارد.

برای پذیرش یا نپذیرفتن کوتاه‌مدت فرضیه‌ی گفته‌شده نیز از آزمون معناداری پیرسون استفاده کردیم. ضریب هم‌بستگی $0/308$ درصد و سطح معناداری $0/011$ درصد است؛ در نتیجه، هم‌بستگی معنادار، با سطح بالا و احتمال $0/05$ خطا، مورد پذیرش قرار گرفت؛ یعنی هرچه افراد بیش‌تر در معرض شناسه‌های جهانی شدن قرار می‌گیرند، دارای تجربه‌هایی بیش‌تر در زمینه‌ی برقراری تعاملات جنسی با الگوهای متفاوت می‌شوند.

با توجه به پذیرش فرضیه‌های چهارگانه‌ی گفته‌شده، فرضیه‌ی اصلی پژوهش و رابطه‌ی اثربخش جهانی شدن و بازاندیشی تعاملات جنسی جوانان دانش‌جوی ایرانی مورد پذیرش قرار می‌گیرد.



برازش چندمتغیره

با توجه به جدول ۳، همه‌ی متغیرهای مرتبط با بازانديشی معنادار اند و سطح معناداری کل $0/000$ درصد شده‌است. متغیرهای مرتبط 31 درصد از متغیر وابسته (بازانديشی) را روشن می‌کنند.

جدول ۳ جدول بتا و سطح معناداری بازانديشی

مدل	همبستگی		همبستگی		سطح معناداری
	نااستاندارد	خطا	استاندارد	t	
سینما	$0/681$	$1/475$	$0/332$	$3/171$	$0/002$
آشنایی با انديش‌مندان	$0/553$	$0/215$	$0/262$	$2/664$	$0/010$
سفر خارجی	$0/690$	$0/342$	$0/198$	$2/017$	$0/048$
ماهواره	$1/599$	$0/812$	$0/207$	$2/968$	$0/043$
مقدار ثابت	$5/410$	$1/475$		$3/667$	$0/000$

متغیر وابسته: بازانديشی

معادله‌ی برازشی چندمتغیره عبارت است از:

$$\begin{aligned}
 & \text{بازانديشی در تعاملات جنسی} = 5/410 \\
 & + 1/599 \text{ ماهواره} \\
 & + 0/690 \text{ سفر خارجی} \\
 & + 0/681 \text{ سینما} \\
 & + 0/553 \text{ آشنایی با انديش‌مندان}
 \end{aligned}$$

مقدار r^2 برازش $0/31$ به دست آمده‌است و نشان می‌دهد که نزدیک 31 درصد از واریانس و دگرگونی‌های بازانديشی به وسیله‌ی متغیرهای موجود در معادله روشن می‌شود.

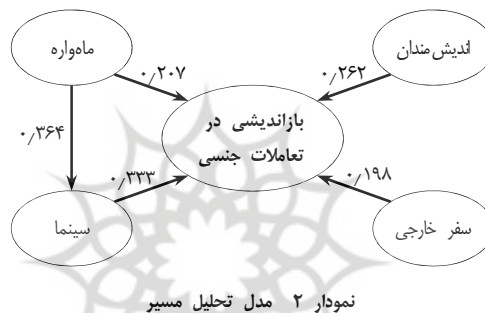
تحلیل مسیر

در تحلیل مسیر هم می‌بینیم که از میان شناسه‌های جهانی شدن، ماهواره و سینما (اینترنت به خاطر استفاده‌ی نزدیک به 100 درصدی در جامعه‌ی آماری این کار، از حالت متغیر بودن و تحلیل مسیر بیرون رفته‌است، که البته به معنای بی‌تأثیر بودن آن نیست) دارای بیش‌ترین اثربخشی در بازانديشی تعاملات جنسی است. ماهواره، با تأثیر مستقیم و نامستقیم، بیش‌ترین

تأثیر را بر بازاندیشی دارد و در گام‌های بعدی، به ترتیب، سینما، سفر خارجی، و آشنایی با نظریه‌پردازان بر بازاندیشی مؤثر است.

جدول ۴ جدول اثربخشی مستقیم و نامستقیم متغیر مستقل بر متغیر وابسته

متغیر	اثر مستقیم	اثر نامستقیم	اثر کل
ماهواره	۰/۲۰۷	۰/۳۶۴	۰/۵۷۱
سینما	۰/۳۳۳	—	۰/۳۳۳
سفر خارجی	۰/۱۹۸	—	۰/۱۹۸
اندیش‌مندان	۰/۲۶۲	—	۰/۲۶۲



نتیجه‌گیری

با توجه به پذیرش چهارگانه‌ی گفته‌شده، فرضیه‌ی اصلی در باره‌ی رابطه‌ی میان جهانی شدن و بازاندیشی تعاملات جنسی جوانان دانش‌جوی ایرانی، با اثربخشی بالا، پذیرفته‌شد. در تحلیل مسیر هم دیدیم که از میان شناسه‌های جهانی شدن، سینما و ماهواره بیش‌ترین اثربخشی را در بازاندیشی تعاملات جنسی دارند؛ زیرا افزون بر تصویر، از روایتی داستان‌گونه نیز برخوردار اند. نمایش دادن رفتارهای جنسی در گستره‌ی رسانه‌های نمایشی، با تأثیر مستقیم بر رفتارهای مخاطبان، به‌ویژه جوانان و نوجوانان، همراه است. تحلیل‌های گوناگون نشان داده که امور جنسی، بخش مشترک محتوای رسانه‌های همگانی است (چاپین^۱ ۲۰۰۰؛ گریفیتس^۲ ۲۰۰۱؛ تایلر^۳ ۲۰۰۵). این محتوا می‌تواند جنبه‌ی آموزشی داشته‌باشد یا از روابط عاشقانه‌ی لطیف تا برهنه‌نمایی و روابط خشن را نمایش دهد. در رسانه‌ها، عموماً، روابط جنسی عاشقانه، خارج از تعهد ازدواج، بدون کنترل، و همراه با خودجوشی، لذت، و طبیعی و

¹ Chapin, John R.

² Griffiths, Mark

³ Taylor, Laramie D.



خصوصی بودن است و روابط جنسی ایمن با برنامه‌ریزی، مصنوعی بودن، و کار به یاد آورده می‌شود (چاپین ۲۰۰۰). یکی از پیام‌های این برنامه‌ها آسان‌گیری روابط جنسی در روابطی است که دارای سطوح پایین‌تری از تعهد اند (تایلر ۲۰۰۵).

در ایران نیز بازاندیشی در روابط دوستانه‌ی دختر و پسر، با الگوهای تازه و سطح پیش‌رفته‌تر، فرهنگی تازه از تعاملات جنسی را به وجود آورده است. در این فرهنگ تازه، جوانان تعاملات جنسی خود را بر پایه‌ی هویت تازه بازاندیشی می‌کنند و با سنت‌شکنی در ساختار سنتی جامعه، عرفی تازه را، هم‌مسیر با جهانی شدن، به وجود می‌آورند.

آشکار است که هنجارهای جنسی دگرگون شده‌اند و سامانه‌ی ارزشی تازه برای جوانان شناسه‌هایی دیگر دارد؛ مثلاً، گروهی از دختران هنجارهای زندگی نسل پدر و مادر خویش را نمی‌پذیرند و اگر پیش از این پسران و مردان دارای چندین رابطه‌ی هم‌زمان با جنس مخالف بودند و این امر برای دختران بسیار منفی به نظر می‌رسید، هم‌اکنون میان دختران نیز روابط چندگانه دیده می‌شود. بر پایه‌ی گزارش ذکایی (۱۳۸۴)، «بیش از نیمی (۵۸/۸ درصد) از جامعه‌ی آماری مورد مطالعه‌ی ایشان، به طور هم‌زمان، با چند نفر از جنس مخالف خود دوست بوده‌اند. پسران با ۶۸/۳ درصد و دختران با ۴۸/۸ درصد، در آن واحد، با چند نفر از جنس مخالف دوست بوده‌اند» (ص ۷۸). در این پژوهش نیز ۷۲/۳ درصد تجربه‌ی ارتباط با جنس مخالف را داشته‌اند، که ۲۶/۱ درصد آن‌ها دوستی‌های چندگانه را هم تجربه کرده‌اند.

مسئله‌ی مهم، که شاید سرچشمه‌ی بسیاری از رفتارها باشد، دگرگونی برداشت طبیعی دختران جوان از موضوع عشق، رابطه‌ی جنسی، و بدن است، که به آن‌ها اجازه می‌دهد تقدسی را که، پیش از این، «بدن» در یک رابطه‌ی جنسی داشت نفی کنند. آن‌ها تعاریفی تازه‌ی بدن و تعاملات جنسی دارند و مفاهیمی تازه را برای خود بازاندیشی می‌کنند. این که تجربه‌ی جنسی، معصومیت آن‌ها را بازخواست نمی‌کند و تنها گذار، شناخت، و تجربه است، بسیاری از رفتارهای آن‌ها را دگرگون می‌کند. بر پایه‌ی آمار ذکایی (۱۳۸۴)، ۶۴ درصد از افراد داشتن رابطه‌ی جنسی پیش از ازدواج را موجب بالا رفتن آگاهی و تجربه می‌دانند و به‌نوعی مثبت می‌شمارند.

اکنون با تعمیم مدرنیته و تأثیر رسانه‌های گروهی و ارتباطات در سراسر جهان، تقریباً غیرممکن است تا سنت را به روش سنتی و مانند آن گونه که در گذشته دوام آوردست تجربه کنیم. حتا اعضای جوامع یا گروه‌های اجتماعی سنتی شیوه‌های دیگر زیستن را می‌دانند و تا حدودی امکان این را دارند که مانند آن‌ها زندگی کنند. (گیدنز

همراه با فرآیند جهانی شدن، زندگی اجتماعی افراد در معرض بازاندیشی پیوسته قرار می‌گیرد. جوانان، با توجه به ویژگی‌های سنی، کنج‌کاوی، تنوع‌خواهی، و نوگرایی، بیش‌تر از دیگر گروه‌های جامعه در مسیر و روند جهانی شدن فرهنگی قرار می‌گیرند و از آن جایی که ویژگی بازاندیشی در آن‌ها آشکارتر از گروه‌های سنی دیگر است، بسیار آماده‌اند تا روند جهانی شدن را در بستر جامعه آسان کنند و هم‌گام با آن، زندگی اجتماعی خود را در کنش، گذران اوقات فراغت، گرایش، شیوه‌ی زندگی، الگوهای تعاملات جنسی، و مانند آن در معرض بازاندیشی قرار دهند.

با توجه به ساختار جمعیتی جوان ایران، در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که، در مقایسه با دهه‌های گذشته (دهه‌ی ۶۰ و ۷۰)، با یک دگرگونی فرهنگی در زمینه‌ی روابط دختران و پسران روبه‌رو ایم، که به احتمال زیاد، از دید مسئولان و برنامه‌ریزان فرهنگی پرورش‌یافته‌ی انقلاب خوش‌آیند نیست و از آن با عنوان تأثیر جهانی شدن فرهنگ یا غربی شدن فرهنگ یاد می‌شود.

بازاندیشی در تعاملات دوستی میان دختران و پسران، به لحاظ نظری، بخشی از فرآیند نوگرایی است و خوش‌آیند یا ناخوش‌آیند شمردن این امر، که به نوعی دگرگونی شکل و گاهی گسست از سنت‌های ریشه‌دار ملی و دینی به شمار می‌آید، موضوعی است که نمی‌توان به‌سادگی درباره‌ی آن داوری یا سوبه‌گیری کرد.

بازاندیشی تعاملات جنسی در میان دختران و پسران و پدیده‌ی روابط دختر و پسر، که سنت‌های اجتماعی و باورهای دینی آن‌ها را مورد پذیرش قرار نمی‌دهد، واکنش‌هایی را پدید می‌آورد که پیوندی نیرومندتر با سنت‌ها دارند. پدران و مادران نیز که، در مقایسه با فرزندان خود، پیوستگی شدیدتری با سنت‌های اجتماعی دارند در برابر این سنت‌شکنی، به احتمال بسیار، ابراز ناخوش‌آیندی و ناخوش‌نودی می‌کنند و از این پدیده تفسیری آسیب‌شناختی خواهند داشت.

پی‌آمد چون‌این روابطی، هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی، قابل‌بررسی است. جدا از دگرگونی‌های فردی، که باعث دگرگونی نگرشی، ارزشی، و شخصیتی خواهد شد، از نظر اجتماعی نیز دگرگونی‌هایی پدید می‌آید:

- ۱ بی‌میلی به ازدواج و بالا رفتن سن آن؛
- ۲ سردرگمی در تعاملات جنسی و بی‌اعتمادی به جنس مخالف، حتا در ازدواج؛
- ۳ ایده‌آل‌گرایی (برای گزینش فرد مناسب) در ازدواج؛
- ۴ سردمزاجی نسبت به همسر و افزایش طلاق در میان همسران؛
- ۵ افزایش جرم و روابط نامشروع؛



۶ دگرگونی الگوهای رفتاری، و نمایشی شدن رفتار جوانان برای جذب جنس مخالف؛

۷ افزایش مصرف‌گرایی برای مناسب کردن پوشش بیرونی و ایجاد کشش‌های جنسی؛

۸ هدر رفتن نیرو، وقت، و نوآوری جوانان.

حال با توجه به آن‌چه گفته شد، در برخورد با این پدیده چه باید کرد؟ آیا باید با نظارت رسمی بر این روابط تا جای ممکن از آن جلوگیری کرد؟ آیا باید به این روابط سویه‌گیری مناسب داد؟ آیا باید این روابط را به حال خود گذاشت؟ در صورت نظارت یا نبود نظارت رسمی، پی‌آمدهای مثبت و منفی چه خواهد بود؟

با دو رویکرد سنت‌گرایانه و نوگرایانه می‌توان به این پرسش‌ها پاسخ داد. در رویکرد سنت‌گرایانه، می‌توان با نظارت‌های رسمی (به عنوان مثال، فعال کردن کمیته‌های انضباطی در سطح دانشگاه یا نظارت نیروی‌های انتظامی در سطح جامعه) و غیررسمی (مانند امر به معروف و نهی از منکر) بر این روابط نظارت داشت. اما آیا نظارت‌های رسمی خود به نوعی باعث پنهان‌کاری جوانان نخواهند شد؟ در پژوهش‌های قاسمی (۱۳۸۳)، دیدگاه دانش‌جویان نسبت به نظارت‌های رسمی بر روابط دوستانه‌ی دو جنس مخالف، منفی، و گاه به شدت منفی بوده است. ۴۰ درصد از دانش‌جویان، بدون هیچ شرط ویژه، با نظارت رسمی موافق، و ۴۶ درصد مخالف بوده‌اند؛ پس اگر رویکرد سنت‌گرایانه را بپذیریم، با مخالفت نزدیک به دو سوم روبه‌رو خواهیم بود و در صورت اجرا، با پی‌آمدهایی منفی، چون پنهان‌کاری روبه‌رو می‌شویم.

در رویکرد نوگرایانه، روابط دختر و پسر موضوعی فردی و خصوصی است، که با پذیرش دو طرف صورت می‌گیرد و نمی‌توان به آن وارد شد؛ حتی اگر شرع آن را نپذیرد. اما با باز گذاشتن تعاملات جنسی و خصوصی دانستن آن، هم‌واره راه را برای روابطی باز خواهیم گذاشت که پی‌آمدهای آن در درازمدت به سود یک جامعه‌ی سالم نخواهد بود. چه بسا که جامعه‌ی جهانی نیز درگیر پی‌آمدهای منفی روابط آزاد جنسی، مانند هم‌جنس‌گرایی، خودارضایی، روابط جنسی مجازی، و مانند آن شود، که شکل روابط جنسی به‌هتجار و طبیعی را به سوی بی‌راهه‌های جنسی کشانده است.

با توجه به آن‌چه گفته شد، نمی‌توان به نتیجه‌ی قطعی در باره‌ی این که کدام رویکرد پاسخ درست را ارائه خواهد داد رسید؛ زیرا ما با پرسشی شناختی، که تنها دارای یک پاسخ درست باشد، روبه‌رو نیستیم؛ مسئله‌ی مطرح‌شده مسئله‌ی ارزشی است، که لزوماً دارای یک پاسخ درست یا اشتباه نیست. پدیده‌ی روابط دختر و پسر، بازاندیشی در این

روابط، و گسترش آن در سطح جامعه پدیده‌ی کاملاً فرهنگی و دارای پیچیدگی‌های ویژه است، که برای یافتن پاسخ به پرسش‌های آن باید سراغ قلمروی فرهنگ و دست‌اندرکاران آن رفت و از آنها کمک گرفت. از جمله‌ی این نهادها می‌توان به سازمان آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد اثربخش در آموزش، دانشگاه‌ها (با سویه‌گیری‌هایی در راستای توان‌مندسازی جوانان در زمینه‌های گوناگون) سازمان ملی جوانان (نهاد مسئول امور جوانان)، و رسانه‌ها، به‌ویژه صدا و سیما (به عنوان رسانه‌ی همه‌گیر و توانا) اشاره کرد.

منابع

- آلبرو، مارتین. ۱۳۸۰. *عصر جهانی*. برگردان نادر سلارزاده. تهران: آزاداندیشان.
- تاملین‌سون، جان. ۱۳۸۱. *جهانی شدن و فرهنگ*. برگردان محسن حکیمی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- داوری، محسن. ۱۳۸۷. «تأثیر رسانه‌ها بر رفتارهای جنسی جوانان»، *آفتاب*، ۱۷ شهریور. برگرفته در ۸ دی ۱۳۸۸. (http://www.aftab.ir/articles/view/applied_sciences/communication/c12c1220764636_media_p1.php)
- ذکایی، محمدسعید. ۱۳۸۴. *بررسی رفتارهای خطرناک با تأکید بر روابط جنسی آزاد: مطالعه‌ی موردی شهر تهران*. تهران: سازمان ملی جوانان.
- رابرتسون، رولند. ۱۳۸۰. *جهانی شدن: تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی*. برگردان کمال پولادی. تهران: نشر ثالث.
- طاهرخانی، مهدی. ۱۳۸۳. «آثار جهانی شدن بر زنان»، *پژوهش زنان* ۳(۱): ۹۳-۱۱۳.
- قاسمی، وحید. ۱۳۸۳. «سنخ‌شناسی دانش‌جویان بر مبنای پدیده‌ی رابطه‌ی دوستانه‌ی دختر و پسر؛ مورد مطالعه: دانشگاه صنعتی اصفهان»، *مطالعات جوانان* ۷: ۹۰-۱۱۳.
- گیدنز، آنتونی. ۱۳۸۷. *بی‌آمدهای مدرنیت*. برگردان محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز.
- _____ . ۱۳۸۷. *جهان ره‌اشده*. برگردان علی‌اصغر سعیدی و یوسف عبدالوهاب. تهران: علم و ادب.
- لاپتن، دیورا. ۱۳۸۰. «بیم و مدرنیسمیون تأملی»، برگردان مریم رفعت‌جاه. *ارغنون* ۱۸: ۲۹۳-۳۱۶.
- لازار، ژودیت. ۱۳۸۰. *افکار عمومی*. برگردان مرتضی کتبی. تهران: نشر نی.
- هاتینگتون، ساموئل پی. ۱۳۷۸. *برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی*. برگردان محمدعلی حمیدرفیعی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- Chapin, John R. 2000. "Adolescent Sex and Mass Media: A Developmental Approach" *Adolescence* 35(140):799-811.
- Griffiths, Mark. 2001. "Sex on the Internet: Observations and Implications for Internet Sex Addiction." *The Journal of Sex Research* 38(4):333-342.



- Taylor, Laramie D. 2005. "Effects of Visual and Verbal Sexual Television Content and Perceived Realism on Attitudes and Beliefs." *The Journal of Sex Research* 42(2):130-137.
- Wendt, Alexander E. 1987. "The Agent-Structure Problem in International Relations Theory." *International Organization* 41(3):335-370.

نویسندگان

دکتر علی رجبلو

استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه الزهرا
alirajabloo_4038@yahoo.com

دانش‌آموخته‌ی علوم سیاسی، تخصص مطالعات ایران، دانشگاه تربیت مدرس تهران، ۱۳۸۳.
سازنده‌ی برنامه‌های تله‌ویزیونی و رادیویی در حوزه‌ی جهانی شدن.
وی نگارنده‌ی چندین مقاله‌ی پژوهشی در زمینه‌ی جهانی شدن در سال‌های اخیر است.

سارا اصغری

کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی، واحد جهاد دانشگاهی، دانشگاه الزهرا
sarasghari@yahoo.com

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه الزهرا، ۱۳۸۷.
پژوهش‌گر مسائل زنان در واحد پژوهش جهاد دانشگاهی، دانشگاه الزهرا.
پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد وی در زمینه‌ی تأثیر جهانی شدن در بازانديشی الگوهای تعامل جنسی در جوانان ایرانی بوده‌است.

پرتال جامع علوم انسانی